حضور زنان در حوزه هاى تصميم سازى بين المللى

مهندس زهره عطايى

1. جهان پيش رو

O زنان بيش از مردان, قربانى خشونت هاى ناشى از باورهاى فرهنگى و اقتصادى و جنگ و مناقشات مسلحانه مى شوند.

O بيش از 8/2 ميليارد نفر از مردم جهان, كه نزديك به نصف جمعيت جهان را تشكيل مى دهند, با درآمد كم تر از دو دلار در روز زندگى مى كنند.از اين تعداد 2/1 ميليارد نفر كه حدود 20 % جمعيت جهان هستند, با كم تر از يك دلار در روز زندگى خود را مى گذرانند.

O 200 نفر از ثروتمندترين مردم دنيا, درآمدشان نسبت به چهار سال قبل دو برابر گرديده و به بيش از يك تريليون دلار رسيده است. درآمد سه ميليارد نفر مساوى با كل درآمد ناخالص ملى تمامى كشورهاى در حال توسعه كه حدود 600 ميليون نفر از جمعيت جهان را تشكيل مى دهند, مى باشد.

O 20 % از ثروتمندترين مردم جهان, با بيشترين درآمد به 86 % منابع جهانى دسترسى دارند.

O در سال 1998 براى هر يك دلارى كه به كشورهاى در حال توسعه وام داده شده, 13 دلار از آنان باز پرداخت شده است.

O در هر 7 ثانيه در جهان يك كودك جان خود را بر اثر گرسنگى از دست مى دهد.

O 450 ميليون زن بزرگ سال از كشورهاى در حال توسعه, داراى سوء تغذيه از دوره هاى كودكى هستند.

O بيش از 110 ميليون كودك در جهان بدون مدرسه و بى سواد هستند كه 60 % آنان دختر بچه ها مى باشند.

O تعداد نزديك به 146000 دختر جوان سالانه به دليل مسايل بهداشتى و مربوط به حاملگى, جان خود را از دست مى دهند.

O دختران مبتلا به ايدز 5 برابر پسران هستند.

O 60 % از عفونت هاى ايدز بين دختران و زنان از سن 15 الى 24 سالگى رايج است.

O 47% از جمعيت آلوده به ايدز را زنان تشكيل مى دهند و اين نسبت در حال افزايش است.(1)

آن چه در بالا به تصوير در آمد, آمار وضعيت موجود جهان از سوى سازمان ملل متحد مى باشد. به راستى آيا حضور زنان با توجه به خصوصيات شخصيتى اين قشر; مانند عاطفه, رحمت و ايثار, مى تواند بر كرسى هاى تصميم گيرى و تصميم سازى بين المللى و در روند آينده ى جوامع, به خصوص جامعه ى زنان و كودكان موثر باشد؟

امروزه منظر كلى جهان, حكايت از بحرانى دارد كه در پى خود بازگشت بشريت به سوى معنويت و همگرايى فكرى و عملى در عرصه هاى مختلف جوامع را مى طلبد. بدون شك يكى از عرصه هاى اصلى اين چالش ها ((موضوع زنان)) و نحوه ى رسيدگى دولت ها به اين مسإله مى باشد. در واقع موضوع زنان از دهه ى قبل تا كنون ملاك ارزيابى ميزان توسعه و عدالت خواهى دولت ها محسوب مى شود, گويا در بعد نظرى, بشريت از ظلم تاريخى اى كه نسبت به جنس مونث روا داشته رنج مى برد و به گونه اى سعى در ايجاد آرامشى ظاهرى در وجدان بشرى نسبت به اين مسإله دارد.

2. عرصه هاى حضور

اگر چه در دو دهه ى گذشته, ده ها مقاوله نامه و قرارداد در موضوع زنان به تصويب مجامع بين المللى رسيده و ده ها كنفرانس جهانى در اين خصوص برگزار شده است, ولى نتايج لازم به دست نيامده است. البته علت اصلى اين مسإله را بايد از عدم شناخت جايگاه مطلوب براى زنان و تفسيرى شايسته از منزلت ايشان جست وجو نمود كه موجب شده تا حقوق زن در كشاكش دفاع هاى كاذب از ديدگاه هاى مختلف, تضييع شود.

در واقع نوع حضور زنان در عرصه هاى سياسى, فرهنگى و اقتصادى به دليل عدم شناخت توانمندىها و وجود محدوديت هاى اجتماعى و فرهنگى, تنها به سطوح اجرايى و بعضا در سطوح مديريتى ـ چه در ايران و چه در كشورهاى جهان ـ منحصر است. ولى به راستى جايگاه مطلوب زن براى حضور در تصميم سازىهاى سياسى چگونه تعريف مى شود؟ آيا بدون وجود اختيارات اجتماعى, سازمانى, صنفى و خانوادگى براى اين قشر, حضور در بستر تصميم گيرى قابل تعريف است؟

پاسخ اين سوالات, نياز به بررسى و نقد وضع موجود و ميزان حضور زنان در حوزه ى سياسى در ميان دو گروه ذيل مى باشد:

الف: نخبگان, كه بايد حضورى مستمر در سطح تصميم سازى, تصميم گيرى و اجرا در برنامه ريزىهاى كلان اجتماعى داشته باشند.

ب: توده, يا آحاد زنان به عنوان رإى دهنده و نقشى كه آنان در تغيير گرايشات سياسى جامعه ايفا مى كنند.

بررسى حاضر به حضور اين قشر در سطح اول پرداخته و بخش دوم از حوصله ى بحث ما خارج است.

1/2 ـ قدرت سياسى و زنان

امروزه يكى از شاخص هاى توسعه يافتگى, حضور قشر زنان در ابعاد سياسى, فرهنگى و اقتصادى است كه در اين راستا تعاريف و مفاهيم جديدى در قوانين عرف بين الملل ايجاد شده است. البته بررسى مفاهيم و تعاريف در هر يك از مراحل, نياز به ارزيابى خاستگاه توليد مفهوم دارد, چنان چه اين تعاريف با مبناى مادى توليد شده باشد, با همان تعاريف در دستگاه الهى تفاوت بسيارى خواهد داشت. حوزه ى حضور در فعاليت هاى سياسى به طور عام در بخش هايى چون ((مولد قدرت بودن)) در اين مقاله مد نظر است كه هم اينك با توجه به آمارها, به نظر مى رسد با تمام فشارى كه دولت ها و مجامع بين المللى در برخى موضوعات زنان اعمال مى نمايند, در موضوع مشاركت سياسى كه از مهم ترين عرصه هاى فعاليت مى باشد, زنان فقط در سطح بهره ورى از قدرت مطرح بوده و بيشترين پايگاه براى آنان بخش مديريت ميانى در دولت ها مى باشد. حتى در دولت هاى به اصطلاح توسعه يافته, حضور زنان در سطوح تصميم سازى براى دفاع از برخى حقوق اساسى خود; چون ممانعت از بروز جنگ هايى كه صدمات آن بيش از هر قشرى گريبان گير زنان و كودكان مى شود, بسيار كم رنگ مى باشد.

همين امر موجب شده تا رهبران سياسى مجبور به ابراز علنى خلاهاى موجود در جوامع شوند, چنان چه پطروس غالى دبير كل پيشين سازمان ملل متحد در كنفرانس جهانى زن(2) متذكر مى شود:

((به رغم پيشرفتى كه صورت گرفته, كارهاى بسيار زيادى باقى مانده است كه بايد انجام گيرد. در حالى كه زنان در بيشتر جوامع به پيشرفت هاى مهمى نايل شده اند, اما هنوز هم تقريبا در همه جا به مسايل مربوط به زنان, اولويتى ثانوى اعطا مى شود. زنان به شيوه هاى پنهان و آشكار با تبعيض و رانده شدن به حاشيه ى جامعهMarginalization) ) مواجه اند و در ثمرات توليد به گونه اى برابر سهيم نيستند و هنوز 70% فقيران جهان را تشكيل مى دهند.))

2/2ـ سطوح حضور سياسى بر اساس طبقه بندى سازمان ملل متحد

پس از تصويب سند پكن در سال 1995, دو شاخص عمده در گزارش توسعه ى انسانى برنامه ى عمران سازمان ملل متحدUNDP) ) در مورد زنان اضافه گرديد:

الف: شاخص توسعه ى جنسىGDT) )(3) كه از طريق محاسبه ى نرخ اميد به زندگى, رشد و نسبت درآمد زنان, ميزان سواد آموزى آنان نسبت به مردان مشخص مى گردد.

ب: ميزان توانايى هاى جنسىGEM) )(4) كه ميزان دسترسى زنان به مناصب سياسى و پارلمانى, مشاغل فنى و تخصصى را مورد بررسى قرار مى دهد.

بررسى حاضر سعى در ارايه ى نماى كلى از حضور زنان برمبناى شاخص ((ميزان توانايى هاى جنسى)) در جهان دارد; زيرا على رغم آن چه در جهان با عنوان پيشرفت زنان به خصوص در غرب مورد نظر است, چنان چه حتى به مقايسه ى آمارى نيز بسنده نماييم, به شعارى بودن ادعاى غرب پى مى بريم.

در طبقه بندى كه شوراى اقتصادى ـ اجتماعى, طبق قطع نامه ى 4/1990 سازمان ملل متحد(5) براى حضور زنان در سطوح تصميم گيرى طرح نموده, سطوح عالى و عناوين شغلى وابسته به آنان را براى زنان, چنين بيان نموده است:

سطح 1. رتبه ى وزارتى, وزيران خارجه, روساى بانك هاى مركزى و موسسات وابسته به كابينه و دفاتر رييس جمهور و نخست وزير;

سطح 2. به طور كلى كفيل و معاونان وزرا;

سطح 3. به عنوان يك قاعده ى كلى, دبيران يا منشى هاى دايم در كشورهاى مشترك المنافع;

سطح 4. هر چه سلسله مراتب به سمت پايين مى رود, به علت تعداد فزاينده ى سطوح ميانى, تعيين سمت يا عنوان دقيق مشكل تر مى شود, از جمله ى سمت ها, معاونان دبيران يا منشى دايم و مديران مسوول حوزه هاى فنى.

خلاصه ى نتايج حاصل از مطالعه براساس طبقه بندى مذكور شوراى اقتصادى ـ اجتماعى سازمان ملل متحد از بين 187 كشور به اين شرح است:(6)

O تعداد وزراى زن در سطح جهانى در دهه ى گذشته دو برابر گرديده; از 4/3 % در سال 1987 به 8/6 % در سال 1996 رسيده است.

O در 48 كشور هيچ وزير زنى وجود ندارد.

O وزراى زن بيشتر در حوزه هاى اجتماعى به ميزان 14 %, در حوزه هاى حقوقى 4/6 %, در اقتصاد 1/4 %, در امور سياسى 4/3 % و در امور اجرايى 9/3 % متمركز مى باشند.

O در منطقه ى آسيا و اقيانوس آرام و اروپاى شرقى با توجه به نسبت كمتر از 5 % در سطح وزير زن, پيشرفت بسيار ناچيزى صورت گرفته است.

O در سطح 1, در 126 كشور هيچ گونه سمت وزارتى در حوزه هاى اقتصادى وجود ندارد.

O در منطقه ى آسيا و اقيانوس آرام, وزراى زن تنها در 2 % كل وزارتخانه هاى اقتصادى, سمت هايى را به عهده دارند.

O در سطح 3, در جهان تنها 9/9 % از كل سمت ها در اختيار زنان مى باشد.

3/2 ـ سطوح كلى حضور سياسى زنان

چنان چه تقسيمات طرح شده, توسط سازمان ملل را در چارچوب مفهومى, طبقه بندى نماييم و تنها به اشغال پست هاى سازمانى, يا رتبه هاى ادارى اكتفا ننماييم, با وضوح بيشترى مى توان به جايگاه سياسى زنان پرداخت, بدين معنا كه اگر در دسته بندىهاى كلى خود, هدف از حضور زنان را توليد فكر و حمايت از مظلومين در جامعه ى جهانى و دولت ها بدانيم و آن را با گزارشات سازمان ملل تطبيق نماييم به نتايج ديگرى دست خواهيم يافت, لذا سه سطح ذيل براى ارزيابى اين موضوع پيشنهاد مى گردد:

O سطح تصميم سازى كه عرصه ى مولد قدرت و اختيار در قشر زنان مى باشد;

O سطح تصميم گيرى كه عرصه ى توزيع قدرت و اختيارات در قشر زنان است;

O سطح اجرايى كه عرصه ى بهره ورى از قدرت و اختيارات در قشر زنان مى باشد.

3. نقش زنان در تغيير هويت سياسى جوامع

اهميت حضور زنان در برخى مشاغل براى حكومت ها و سعى جوامع بين المللى در استخراج دستور العمل هاى كاربردى, براى تعريف هويت سياسى زنان در تمامى كشورهاى جهان به شكلى يكسان و بدون در نظر گرفتن تفاوت هاى فرهنگى, سياسى و اقتصادى جوامع, حاكى از آن است كه جهانى سازى نيازمند ابزارهايى است كه در صورت لزوم بتواند در بحران هاى سياسى, قواعد و معادلات بازىهاى سياسى را با وجود اين قشر دست كارى نمايد وموجب تحقير و يا تجليل از ملل, گروه ها و حكومت هاى خاصى شود. به عنوان مثال مى توان به بزرگ نمايى برخى مسايل زنان در كشورهاى مسلمان طى گزارشات مراجعى; چون كميسيون حقوق بشر در مورد كشورهاى ايران, افغانستان, فلسطين و... اشاره كرد.

آن چه در غرب به عنوان پيشرفت شاخص هاى مربوط به زنان بر آن تكيه مى شود, تنها حضور صورى تعداد معينى از زنان در مناصب وزارتى و مجالس قانون گذارى است, در حالى كه زنان طى گذار از مراحلى, در جوامع غرب مورد ظلم دوم قرار گرفته و بحران هويتى را در اين گروه در پى داشته است; لذا اين مسإله موجب عكس العمل هايى; چون جسارت فردى به شكل جلوه گرىهاى مادى شده است.(7)

سيستم سرمايه دارى از حضور غير مقنن زنان در جهت تحرك سياسى, فرهنگى و اقتصادى, در توليد و مصرف استفاده نموده است. بيست شغل اول زنان در كشور امريكا ـ در بين شاغلين ـ به ترتيب عبارتند از: منشى گرى, صندوق دارى, مديريت فروش داخلى, سرپرست فروش, پرستار رسمى, كمك پرستار, آموزگار, كتاب دار و كارمند حساب دارى, پيش خدمت رستوان, فروشنده ى قطعات, مسوول پذيرش هتل ها, حساب دارى, اپراتورى, آشپزى, بازرسى, نظافت چى, دبير, كارمند كارخانه, آرايش گرى و اپراتورى ماشين نساجى;(8) لذا پس از مدتى زن, ابزار انگيزش براى مصرف هر چه بيشتر در جامعه شده و براى او اقتدار اجتماعى و هويت سياسى در شكل عينى و حقيقى مفهومى نخواهد داشت و سوالات اساسى در اين حوزه به ذهن خواهد آمد:

آيا حضور زن(9) بركرسى شوراى امنيت با اختياراتى كه نسبت به منافع زنان و كودكان جهان مى توانند داشته باشند, مانع بروز بسيارى از جنگ ها خواهد شد؟

آيا حضور اين قشر تنها در سطوح خدماتى و اجرايى ـ در كشورهاى به اصطلاح توسعه يافته ـ براى احقاق حقوق آنان در موضوع اشتغال كافى است؟

آيا اگر زنان به جاى حضور در سطح ساختارها به عنوان مصرف كننده, چه در موضوعات سياسى, چه فرهنگى و چه اقتصادى در سطح توليد در ابعاد تصميمات سياسى, فرهنگى و اقتصادى حضور داشتند, نحوه ى مديريت در كشورهاى به اصطلاح توسعه يافته دگرگون نمى شد؟

آيا تنها با شعار احقاق حق زنان در سطوح خرد اجتماعى; مانند (اشتغال, حق رإى و...) مى توان وضعيت زنان را به لحاظ فقر, آوارگى و نجات از ناهنجارىهاى اجتماعى بهبود بخشيد؟ اگر چنين است پس چرا آمارها از افزايش شكاف بين فقير و غنى در پايان سال 2000 ميلادى خبر مى دهد.

از زمانى كه الگوى مادى در بخش هاى مختلف استراتژىهاى سياسى, فرهنگى و اقتصادى جهان و سازمان هاى بين المللى توسعه يافت, نظام ارزشى جوامع غربى نيز بنا به اهداف خاص تغيير يافته و تعريف از آزادى و عدالت با تعاريف ارزشى اين دو مفهوم با الگوى الهى تغيير يافت.

حضور سياسى زنان در ايران در بحرانى ترين حوادث تاريخى با توجه به گرايشات و تفكرات اين قشر, هميشه هدفمند و كارساز بوده است, مانند آن چه كه در ايجاد انقلاب اسلامى و سال هاى دفاع مقدس شاهد آن بوده ايم, اما پس از اين دوره خلا برنامه ريزى و سازمان دهى در تمامى سطوح جامعه ايجاد شد و زنان به دليل عدم وجود الگوهاى كاربردى براى عرصه هاى مختلف اجتماعى و خانوادگى در معرض آسيب بيشترى قرار گرفتند.

عدم تعريف صحيح از جايگاه عملى زنان, توانايى نظام را در پياده سازى سيستم هاى برگزيده ى اجتماعى برمبناى اسلام (سياسى, فرهنگى و اقتصادى) افزايش خواهد داد و اصول ارزشى در پيوند با وضعيت اجتماعى در قالب يك دستگاه نظام مند تعريف شده و در چنين چارچوبى است كه شعار مشاركت سياسى زنان در جامعه ى ايران و براى مسلمانان جهان معنا پيدا خواهد كرد و وجوه اشتراك, اختلاف و امتياز زن در جامعه ى اسلامى با جامعه ى غربى معين خواهد شد.

ان شإالله

پى نوشت ها

1. We the Peoples, the Role of United Nations in the Twenty First entury, The Millennium Report, United Nation, New York, 2001.

2. سايت سازمان ملل, دايره ى پيشرفت زنان, اطلاعاتى در خصوص حضور زنان در حكومت, ژانويه ى 1996.

3. Gender - related Development lndex.

4. Gender - Empowerment Measure.

5. مانند جسارت زن در مقابل شوهر, دانشآموز نسبت به معلم, فرزندان نسبت به والدين كه موجب شكسته شدن انضباط خانوادگى و اجتماعى خواهد شد و در كشورهايى كه داراى مبانى ارزشى هستند اين مسإله را ترويج خواهند داد.

6. Devision For The Advancement of Women, United Nation, Bethesda, aryland, U.S.A, 1996.

7. منظور حضور زنانى با آرمان هاى عدالت خواهانه است, نه صرفا افرادى كه به شكل گزينشى براى اهدافى در برخى از اين مجامع انتخاب شده اند, چه اين گونه زنان خود مصرف كننده خواهند بود, نه توليد كننده فكرى.

8. U.S Department Of Commerce, Bureau Of The Census, Current, Population Reports, Series 1 - 60 Selected lssues, Women's Bureau, pril 1998.